



Educational Interpretation of the Verse of Istirja' (Sura Al-Baqarah, 2:156) *

Seyedah Fateme Ghadirinejad ¹ and Mohsen Nouraei ² and Seyyed Mohsen Musavi ³



Abstract

This research investigates the educational teachings embedded in the verse of Istirja', specifically verse 156 of Surah Al-Baqarah. The educational implications derived from this verse are organized into six essential dimensions: possibilities, principles, methodologies, objectives, dimensions, and factors influencing education. The objective of this paper is to extract and analyze these dimensions through a descriptive-analytical lens, emphasizing educational interpretation. The results reveal that the verse of Istirja' underscores the potential for human education, which is essential for recognizing monotheism and the concept of resurrection. The verse utilizes various methods, including the provision of insight, reminders, encouragement, self-suggestion, modeling, and nurturing a love for servitude within the educational framework. It encompasses multiple dimensions of education across cognitive, emotional, and psychological aspects, particularly emphasizing rational, belief-based, ethical, and social education. The educational objectives identified from this verse include cultivating patience in adversity, recognizing human servitude, and understanding that material possessions are divine trusts. Additionally, the verse articulates several educational principles, such as a focus on God, adherence to divine guidance, rational thought, and the exchange of the finite for the infinite. Influential factors in education inferred from the verse include the will of the Almighty, trials and tribulations, and the presence of educational role models. The findings of this study are significant for interpretative research, particularly regarding methodological approaches to interpretation and their implications for educational sciences.

Keywords: Educational Interpretation, Verse of Istirja', Educational System, Quranic Education.

*. **Date of Receiving:** 7 - 8 - 2023, **Date of Approving:** 9 - 4 - 2024.

1. Ph.D. Candidate of Quranic and Hadith Sciences, Mazandaran University, Faculty of Theology, Mazandaran, Iran: seyedeh.gh@gmail.com.

2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Mazandaran University, Faculty of Theology, Mazandaran, Iran (Corresponding Author): hm.nouraei@umz.ac.ir.

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University, Faculty of Theology, Babolsar, Mazandaran, Iran: m.musavi@umz.ac.ir.



تفسیر تربیتی آیهی استرجاع *

سیده فاطمه قدیری نژاد^۱ و محسن نورائی^۲ و سید محسن موسوی^۳



چکیده

در این پژوهش آموزه‌های تربیتی آیه استرجاع (که خود فرازی از آیه ۱۵۶ سوره بقره است) بررسی شد. مفاد تربیتی این آیه در شش محور اساسی، امکان، اصول، روش، هدف، ابعاد و عوامل تربیت تقسیم گردید. نوشتار حاضر در پی آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر تفسیر تربیتی، محورهای پیش گفته را از آیه استخراج کرده و به بحث بپردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که آیه استرجاع امکان تربیت انسان را که لازمه اعتراف به توحید و معاد است، تأیید می‌کند. در این آیه از روش اعطای بینش، تذکر، تشویق، تلقین به نفس، الگودهی و حب عبودی برای تربیت استفاده شده است. آیه استرجاع به برخی از ابعاد تربیت در حیطه شناختی، عاطفی و روانی معطوف است که از مهمترین آنها، بعد تربیت عقلانی، اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی قابل ذکر است. اهداف تربیتی استفاده شده از این آیه عبارت‌اند از، صبرپیشگی در مواجهه با ناملازمات، اقرار به مملوک بودن انسان و همچنین نیل به این معرفت که دارایی‌های ظاهری انسان نیز امانت الهی است. افزون بر آنچه ذکر شد، اصول تربیتی نیز از این آیه فهمیده می‌شود؛ اصولی مانند، خدامحوری و رعایت جانب خدا، عقل‌مداری و معاوضه متناهی با نامتناهی. برخی از عوامل اثرگذار تربیتی که از آیه می‌توان فهمید عبارت‌اند از: اراده خداوند متعال، ابتلا و امتحان و الگوهای تربیت. نتیجه این پژوهش در حوزه مطالعات تفسیری، به‌ویژه روش‌شناسی تفسیر، قابل استفاده است، همچنان که در علوم تربیتی نیز کارایی دارد.

کلیدواژگان: تفسیر تربیتی، آیه استرجاع، نظام تربیتی، تربیت قرآنی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات، مازندران، ایران: seyedeh.gh@gmail.com.

۲. دانشیارگروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات، مازندران، ایران (نویسنده مسئول): m.nouraei@umz.ac.ir.

۳. استادیارگروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات، بابلسر، مازندران، ایران: M.musavi@umz.ac.ir.



مقدمه

قرآن کریم آخرین کتاب الهی و مایه هدایت نوع بشر در همه اعصار بعد از نزول است. تفسیر تربیتی قرآن کریم از گرایش‌های تفسیر اجتهادی، عهده‌دار تفسیر آیات با نگاه تربیتی و نشان‌دادن پیام‌های هدایتی و تربیتی آیات است. روش مند کردن فهم آیات الهی، استخراج فرآورده‌های متناسب با عناصر نظام تعلیم و تربیت و ارائه تفسیری تخصصی، جنبه نوظهور تفسیر تربیتی است. در همین راستا پژوهش حاضر با دغدغه چگونگی تربیت نفس، حفظ خویشتن‌داری و تقویت روحیه خودکنترلی هنگام بروز مصیبت، به دنبال ارائه تفسیر روش‌مند و تخصصی از آیه استرجاع در حوزه علوم تربیتی است.

در راستای انجام این مأموریت، کتب تفسیری مرجع با گرایش تربیتی مهم‌ترین پیشینه این تحقیق به حساب می‌آیند. همچنین اسعدی (۱۳۹۹) در کتاب «تفسیر تربیتی قرآن» پس از بیان کلیات، چستی تفسیر تربیتی، رسالت‌ها و ویژگی‌های نگرشی و ابزارهای تفسیر تربیتی را بررسی کرده است. اعرافی (۱۳۹۳) در کتاب «درآمدی بر تفسیر تربیتی» متشکل از پنج بخش و یک پیوست، درباره روش‌شناسی، قلمرو و وظایف تفسیر تربیتی سخن گفته است. رضایی اصفهانی (۱۳۸۸) در مقاله «تفسیر تربیتی سوره حمد»، تفسیری تربیتی و روش‌مند از این سوره ارائه کرده است. جنگجو افشرد (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی دیدگاه‌های کلامی پیرامون آیه استرجاع» به مباحث کلامی اعتقاد به معاد پرداخته است. لیکن وجه تمایز پژوهش حاضر با نگاشته‌های قبل از خود، در ارائه کاربرست تخصصی تفسیر تربیتی حول آیه ۱۵۶ سوره بقره است.

درواقع این تحقیق با بهره‌گیری از روش تفسیر تربیتی، درصدد پاسخ به پرسش‌های زیر است: تفسیر این آیه براساس عناصر نظام تربیت به چه صورت خواهد بود؟ این آیه از کدام یک از روش‌های تربیتی استفاده می‌کند؟ آیا می‌توان عوامل تربیت را از این آیه استخراج کرد؟ آیه استرجاع کدام یک از اصول تربیتی را تأیید می‌کند؟ چه اهداف تربیتی از این آیه به دست می‌آید؟ و به طور کلی آیا می‌توان میان تفسیر این آیه و علوم تربیتی تعامل ایجاد کرد؟

۱. مفهوم‌شناسی تفسیر تربیتی

تفسیر تربیتی ترکیبی وصفی است که با نام‌های «الاتجاه الهدائی»، «التفسیر التربوی» نیز در منابع پژوهشی شناخته می‌شود. تصور می‌شود تفسیر تربیتی از گرایش‌های نوظهور تفسیر اجتهادی قرآن کریم است؛ ولی حقیقت آن است که پایه‌های این جریان تفسیری در عصر نزول بنیان نهاده شده است. شکل ساده و بسیط این روش به تناسب سطح فکری مخاطبان و نیاز آنان در روایات تفسیری پیامبر اکرم ﷺ دیده می‌شود (ر.ک: سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۱۴۲۱ق: ۲/ ۴۷۷).

مطالعات نشان می‌دهد درخصوص چستی تفسیر تربیتی، دو دیدگاه عمده وجود دارد. نخست، دیدگاه سنتی و تفسیر بر مبنای تعریف عام تربیت؛ دوم، دیدگاه جدید و تفسیر با توجه خاص مسائل علوم تربیتی.

تفاسیر تربیتی در دوران متقدم را می‌توان در دو گروه واعظانه - تبلیغی، تربیتی - عرفانی تقسیم‌بندی کرد. گروه نخست از این تفاسیر، دارای رویکرد واعظانه و تبلیغی و متأثر از آموزه‌های تأکیدی قرآن و مبتنی بر ضرورت پند و امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفت که از جمله آن‌ها تفسیر حسن بصری (م ۱۱۰ق) و قتاده (م ۱۱۷ق) است که از اسلوب وعظ، جهت ایجاد تأثیر تربیتی در تفسیر خویش بهره برده‌اند. همچنین تفسیر «الکشف و البیان عن تفسیر القرآن»، اثر ابواسحاق احمد بن محمد نیشابوری ثعلبی (م ۴۲۷ق) از مبسوط‌ترین تفاسیر تربیتی واعظانه است.

گروه دوم از این تفاسیر تربیتی، با رویکرد عرفانی به بهره‌گیری از مواظ اخلاقی آیات، لطایف و حکمت‌های عرفانی به منظور شوق‌آفرینی و برجسته‌سازی پیام آیات می‌پردازد. تفسیر «روح البیان» اسماعیل حقی بروسوی (م ۱۱۳۷ق) نمونه‌ای از تفاسیر تربیتی عرفانی است که تبیین تربیتی تمثیلات و ادبیات دل‌انگیز از شاخصه‌های آن است.

تفسیر تربیتی در دوران معاصر با توجه به معنای خاص تربیت، به صورت تخصصی‌تر و علمی‌تر تعریف شده است. نکته حائز اهمیت آن است که غالب تعاریف موجود، تفسیر تربیتی را ناظر به استخراج و تبیین نکات تربیتی از آیات قرآن کریم براساس عناصر نظام تربیت و یا با بهره‌گیری از داده‌های علوم تربیتی می‌شناساند.

در همین راستا برخی از این تعاریف، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در نخستین تعریف، تفسیر تربیتی، «مراجعه به منظور استکشاف دیدگاه قرآن در موضوعات مصرّح و غیر مصرّح تربیتی» (اعرافی، درآمدی بر تفسیر تربیتی، ۱۳۹۳: ۷۱) بیان شده است. به نظر می‌رسد این تعریف جامع نیست و تنها مبتنی بر تفسیر موضوعات تربیتی قرآن است و درواقع تفسیر موضوعی با رویکرد تربیتی است.

به نظر می‌رسد این تعریف توصیفی کامل از مفهوم تفسیر تربیتی ارائه می‌دهد: «تفسیر تربیتی ترکیبی وصفی است که مراد از آن را به چند صورت و با چند رویکرد تبیین می‌شود. الف، بیان و تفسیر آیاتی است که مستقیماً به مسئله تربیت و ابعاد و اهداف و مبانی و روش‌ها و عوامل و موانع آن اشاره دارد؛ ب، استخراج نکات، نظریه‌ها، یا نظام جامع تربیتی از آیات قرآن است؛ ج، گزاره‌ها و نظریات ثابت‌شده علوم تربیتی تا چه حد با آیات قرآن تطابق دارد؛ د، با نگاه برون‌متنی برای فهم بهتر آیات قرآن داده‌های قطعی علوم تربیتی را به کار بریم و برای فهم بهتر آیات تربیتی این داده‌ها را به استخدام



بگیریم.» (ر.ک: خوانین‌زاده و انصاری راد، مبانی تفسیر تربیتی قرآن، ۱۳۹۷: ۱۸۷). رجحان این تعریف بر تعاریف پیشین آن است که هم معنای عام و خاص تربیت را دربرمی‌گیرد و هم اعم از دو روش تربیتی و موضوعی است. وانگهی با توجه به این حقیقت که هدف قرآن کریم انسان‌سازی است و تفسیر تربیتی بر همین رویکرد بنیان‌گذاری شده است، نگارندگان پژوهش حاضر براین باورند که تفسیر تربیتی، تبیین و تشریح آیات قرآن کریم با رویکرد تربیتی و استخراج آموزه‌های تربیتی آیات با بهره‌گیری از علوم مرتبط با تفسیر و تربیت است. به تعبیری دیگر تفسیر تربیتی زیرمجموعه‌ای از تفسیر عقلی-اجتهادی است و مراد از آن، روشن ساختن معانی و مراد آیات قرآن کریم با گرایش تربیتی، با توجه به عناصر نظام تربیتی، با هدف هدایت و تربیت انسان است.

گفتنی است به باور برخی محققان، آیات بیانگر نکات تربیتی افزون بر معنای ظاهری، دارای لایه‌های معنایی و جنبه‌های معجزه‌گون هستند، بدان‌سان که می‌توان معارف والای تربیتی قرآن را از ابعاد مجزا و قابل توجه اعجاز قرآن برشمرد و از این بعد اعجاز با عنوان اعجاز تربیتی یاد کرد (ر.ک: مهدی‌زاده و عمادی، اعجاز تربیتی در آیه رضاء از دیدگاه مصطفی رجب و نقد آن، ۱۴۰۱: ۶).

۲. تفسیر تربیتی آیه استرجاع

جمله «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» مشهور به آیه استرجاع، بخشی از آیه ۱۵۶ سوره بقره است. این آیه در عین کوتاهی سخن، با اشاره به دو اصل توحید و معاد، جهان‌بینی توحیدی را تبیین می‌کند. در عموم تفاسیر تربیتی موجود، در سیاق کلی آیه ۱۵۶ سوره بقره به عنوان شعار صابران الگودهی می‌شود. در سیاق آیه استرجاع از روش آموزش غیرمستقیم برای تعلیم صبر بر مصیبت استفاده شده است. صبر بر مصیبت و توجه به حضور خداوند و بی‌تابی نکردن، مفهومی است که در آیه ۱۵۶ سوره بقره به صورت غیرمستقیم آموزش داده می‌شود. به تعبیری دیگر آیه استرجاع به طور غیرمستقیم این مفهوم را می‌آموزد که باور به توحید و معاد صبر بر مصیبت را تسهیل می‌کند و انسان در چنین شرایطی با یاد خداوند آرامش می‌یابد.

الف. دلالت آیه استرجاع بر امکان تربیت

امکان و ضرورت تربیت از مباحث تربیتی است (اعرافی، درآمدی بر تفسیر تربیتی، ۱۳۹۳: ۳۷). اولین نکته تربیتی که از آیه فهمیده می‌شود امکان تربیت انسان است. توضیح اینکه انسان در بدو تولد از اطلاعات علمی و عقلی تهی است، درحالی‌که طبق آیه استرجاع همین انسان به مرحله‌ای می‌رسد که به توحید و معاد اقرار می‌کند و این مهم جز در سایه آموزش و تربیت مقرر نخواهد شد.

در آیه ۷۸ سوره نحل آمده است که «و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج کرد، درحالی که هیچ چیز نمی دانستید و برای شما گوش و چشم و عقل قرار داد تا شکر نعمت او را به جا آورید». بنابراین تربیت پذیری از شاخصه های انسانی است و به طور کلی ارسال انبیا نیز خود دلیلی بر امکان تربیت انسان است. امکان تربیت در آیات دیگری از قرآن کریم نیز بیان شده است. برای نمونه آیات ۷-۱۰ سوره شمس که به تربیت پذیر بودن نفس آدمی و رستگاری انسان در پی تلاش های فردی و جمعی برای این مهم اشاره می کند. طبق بینش این آیه بازگشت انسان به سوی خدا امری حتمی و قطعی گریزناپذیر است. باور و اعتقاد به این بازگشت، خود مؤیدی بر امکان تربیت اخلاقی است. از آن جهت که باور به آموزه معاد محرکی است برای خودسازی و توجه به پاک سازی نفس از آلودگی ها که منجر به بروز رفتارهای اخلاقی و پایبندی به ارزش ها می شود.

ب. روش تربیتی آیه استرجاع

روش تربیتی بخش جدایی ناپذیر نظام تربیتی است که مربی با بهره گیری از آن، مربی را به کمال مطلوب رهنمون می شود. روش تربیتی قرآن کریم بر اموری همچون دعوت به تفکر، تشویق و تنبیه، خوف آفرینی و انداز، امر به معروف و نهی از منکر، محبت، تذکر، تلفیق ایمان و عمل، برانگیختن حس شفقت و مهربانی، موعظه، یادآوری معاد، تصویرسازی، تأکید و تکرار و... استوار است. که این روش ها را می توان در دو گروه بینشی و انگیزشی تقسیم بندی کرد. روش های بینشی به ارائه تلقی درست از موضوعات و آموزش می پردازند. روش های انگیزشی با بهره گیری از تشویق و تنبیه و... به انجام عملی یا خودداری از رفتاری خاص دعوت می کنند.

به نظر می رسد در این آیه شریفه از چند روش تربیتی جهت تحقق هدف استفاده شده است. در آیه ۱۵۶ از طریق تفکر در مالکیت مطلق خداوند، معاد حیات انسان به اعطای بینش پرداخته است. در آیه ۱۵۷ با بیان پاداش صابران از روش انگیزشی بهره جسته و سعی در تشویق به بروز رفتار صبر و استرجاع برای همگان دارد.

یک. روش تربیتی اعطای بینش

روش «اعطای بینش»، به جهت آنکه اصلاح نگرش ها، به طور مستقیم بر تغییر رفتار و عملکرد مربی اثرگذار است، در کتب تربیت اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. این روش که بر اصل «تحول باطن» تکیه دارد، بیانگر آن است که در تربیت، باید به فکر تحول درونی بود (جاهد، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۷: ۲۳۸). به جهت آنکه نوع تلقی انسان از



مفاهیم و موضوعات پیرامون، در گروه مهم‌ترین مبانی مؤثر بر نوع رفتارهای وی جای می‌گیرد. در این اصل، سعی بر دگرگون‌سازی تلقی آدمی از امور است (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۸۳: ۷۵).

قرآن کریم، در موضوعات اساسی نظیر حقیقت نظام هستی، حقیقت وجود انسان، جایگاه انسان در نظام آفرینش، مبدأ و معاد حیات انسان و... به اعطای بینش پرداخته است. به تعبیری دیگر در قرآن کریم، زمینه برای تحکیم اعتقادات فراهم شده است. بدین معنا که آگاهی‌های لازم و متقن در موضوعات مختلف، به انسان داده شده است تا با اراده خویش و انتخابی آگاهانه به حیات خویش ادامه دهد. در همین راستا پیامبران الهی و اولیاء دین کوشیده‌اند تا با ارائه بینشی صحیح نسبت به حقایق جهان هستی، انسان را در راه صلاح و فلاح رهنمون سازند (ر.ک: ابن‌شعبه حرّانی، تحف العقول، ۱۳۶۰: ۸۸).

آیه استرجاع که اقرار صابران به توحید و معاد است و از زبان آنان جاری شده است، نتیجه تفکر و تدبیر در جهان خلقت و جایگاه انسان در این نظام و نوع جهان‌بینی این افراد است. چگونگی تفکر و جهان‌بینی و لطافت روح انسان را صابر و پایدار می‌سازد و چنین فردی با تعبیر جامع استرجاع خود را در تصرف و تملک خداوند می‌شناسد (طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۳۶۲: ۱/ ۲۴)؛ بنابراین بینشی که به‌طور غیرمستقیم در آیه استرجاع اعطا می‌شود، درباره میزان اختیار انسان در دخل و تصرف وی در مایملک خویش مطرح است.

نمونه‌ای دیگر از اعطای بینش درباره معاد که از جمله «إِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ» استفاده‌شده در تفسیر انوار درخشان قابل مشاهده است: یادآوری عالم برزخ و هنگام رستاخیز است؛ زیرا غرض از خلقت و آفرینش جهان، ابدی بودن آن است. و چنان‌که زندگی بشر جاوید نبود و پایان می‌پذیرفت، خلقت جهان و جهانیان بیهوده و با صفات کامله پروردگار هرگز تناسب نداشت (حسینی‌همدانی، انوار درخشان، ۱۳۸۰ق: ۱/ ۴۷-۴۶)؛ بنابراین ترسیم بینش صحیح درباره معاد و پایان حیات دنیوی انسان، یکی دیگر از موضوعات اعتقادی و تربیتی این آیه است.

دو. روش تربیتی تذکر

تذکر از روش‌های تربیتی بوده (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۸۳: ۱۴۶) و به معنای گفتار و یا رفتاری است که از مربی سر می‌زند تا مرتبی را نسبت به آنچه از یاد برده و یا از آن غفلت کرده است و یا از آن بی‌خبر است و اطلاع از آن برای او لازم است، آگاه سازد و احساسات او را در قبال آن‌ها برانگیزد (قائمی‌مقدم، روش تربیتی تذکر در قرآن کریم، ۱۳۸۷: ۶۳).

جمله «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» تذکر و اقرار نفس به وقوع حتمی قیامت، روش تربیتی است که در این آیه و آیات مشابه بسیار مورد تأکید واقع شده است. باور به معاد، از عوامل انگیزشی تربیت است؛ چراکه در پرتوی تذکر به معاد، انجام واجبات و ترک محرمات الهی تسهیل می‌شود. به تعبیری دیگر، اعتقاد به بازگشت و قرارگرفتن در محضر عدل الهی، تضمین‌کننده و انگیزه‌تربیت و تهذیب نفس است.

جمله دوم آیه شریفه، اقرار انسان به بعث و نشور است و مقصد آفرینش انسان را همان جایی می‌داند که از آنجا آمده است. یادآوری معاد و محاسبه دقیق و عادلانه در جهان آخرت، سبب می‌شود که انسان خود را در انجام کارها آزاد مطلق نبیند و تقوا پیشه کند (بقره / ۲۰۳) و اگر ظلمی به وی شده، امید داشته باشد که خداوند برایش جبران می‌کند و همین امر تسلی دل وی گردد. حقیقت این است که حیات انسان در دنیا به‌طور محسوس و انکارناپذیری آمیخته با انواع مشکلات و گرفتاری‌هاست و یادآوری معاد سبب افزایش امیدواری و نیز آستانه تحمل و بردباری انسان می‌شود.

سه. روش تربیتی تشویق

بررسی و دقت در آیات قرآن نشان می‌دهد، مفاد برخی آیات معطوف به برانگیختن انگیزه است (ر.ک: بناری و احمدلو، مؤلفه‌های فرایند ایجاد انگیزش در تربیت اخلاقی از منظر قرآن کریم، ۱۴۰۱: ۹). تردیدی نیست که تشویق از کارآمدترین روش‌های تربیتی و عاملی اثرگذار در تحریک انگیزه‌ها و تقویت و تکرار رفتارهای مطلوب است. در آیات متعددی از قرآن کریم به پاداش‌های الهی وعده داده شده است (مائده/۹۰؛ اعراف/۴۴؛ توبه/۱۱۱؛ رعد/۳۵) که موجبات ترغیب و تشویق انسان‌ها برای قرارگرفتن و حرکت در مسیر توحید را فراهم آورده است.

آیه ۱۵۷ سوره بقره نیز با بیان پاداش صابران و برخورداری از رحمت و صلوات خداوند، به صبر تشویق کرده است. به نظر می‌رسد این آیه از روش ابراز محبت برای تربیت عاطفی بهره برده و تأثیر این روش بر کنترل و تقویت و تربیت عواطف انسانی را نیز تأیید کرده است.

تفسیر هدایت به‌کارگیری روش تشویق در این آیه را ضمن عبارت «دست‌آورد بشارت داده شده» مورد توجه قرار داده است: «صابران با تبیین نگاه و تصویرسازی از عاقبت سعادت‌مندان خویش در نتیجه صبر در راه خدا، خسارت ناشی از مصیبت در برابر آن دست‌آورد بشارت داده شده را بسیار ناچیز برمی‌شمارند.» (مدرسی، تفسیر هدایت، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۷۸-۲۷۷).



چهار. روش تربیتی تلقین به نفس

تلقین به نفس از روش‌های خودتربیتی با هدف شکل‌دادن و جهت‌بخشیدن به رفتارها توسط خود فرد است. «مایکینتام معتقد است که سخن گفتن با خود به عبارتی تلقین به خود در ایجاد یا حذف رفتارهای سازگارانه یا ناسازگارانه بسیار مؤثر است.» (حاجی‌ده‌آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، بی‌تا: ۱۰/۱). هدف از تلقین ممکن است ایجابی یا سلبی باشد؛ یعنی انسان با تلقین انجام کاری یا خودداری از امری را به خود بفهماند.

در آیه استرجاع فرد استرجاع‌کننده با گفتن زبانی استرجاع قصد دارد که آن را به نفس خود تلقین کند و با یادآوری مالکیت و عدالت خداوند، صبر بر مصیبت را به خود تلقین کند؛ بنابراین استرجاع موجب تسلیت و دل‌داری و تلقین به انسان است (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۱/۲۴۱). توجّه به مفاد این جمله و تلقین آن به خود، قلب را سکینت بخشیده و آرامش می‌دهد، و هر اندازه این تلقین به حقیقت نزدیک‌تر باشد بیشتر تزلزل خاطر را برطرف کرده و دل را وقار و آرامش خواهد داد (حسینی‌همدانی، انوار درخشان، ۱۳۸۰ق: ۴۲/۲).

در آیه استرجاع انسان موحد و صابر اقرار می‌کند که تحت تملک خداوند است، به عبارتی دیگر با بر زبان راندن جمله «انا لله» باور به توحید در مالکیت را به نفس خود تلقین می‌کند. در تلقین «إِنَّا لِلّهِ رَاجِعُونَ» سعی دارد که جایگاه انسان در نظام آفرینش را به نفس خویش یادآور شود. با این اوصاف این آیه دلالت دارد که نوع نگاه انسان به رخدادها و واقعیّت‌های گوناگون و طرز تلقی او از جهان پیرامون و به‌طور خلاصه، جهان‌بینی او، کنش‌ها و واکنش‌های وی در هنگام مصیبت را رقم می‌زند.

پنج. روش تربیتی الگودهی

روش الگودهی در تربیت بر مبنای تأثیرپذیری انسان‌ها از یکدیگر و محیط استوار است. آیات متعددی از قرآن کریم، با تصویرسازی زندگانی پیامبران الهی و بندگان صالح خدا در قالب داستان، آنان را به‌عنوان الگو و اسوه به مخاطبان معرفی می‌کند (احزاب/۲۱؛ ممتحنه ۶-۴؛ تحریم/۱۲-۱۱). در آیه ۱۵۶ و ۱۵۷ سوره بقره، جهان‌بینی و روش صابران در هنگام بروز مصیبت به‌عنوان الگو به مخاطبان معرفی می‌شود. براساس این آیات صابران با تبیین نگاه و تصویرسازی از عاقبت سعادتمندانه خویش در نتیجه صبر در راه خدا، خسارت ناشی از مصیبت در برابر آن دستاورد بشارت داده شده را بسیار ناچیز برمی‌شمارند (مدرسی، تفسیر هدایت، ۱۳۷۷: ۱/۲۷۷-۲۸۸). به همین ترتیب متربی (مخاطب قرآن کریم) می‌بایست نمونه‌ارائه‌شده (استرجاع صابران) را مطلوب خویش قرار داده و با شبیه‌سازی در شرایط مشابه (وقوع مصیبت)، رفتاری مشابه با رفتار الگو (صابران) از خود بروز دهد.

شش. روش تربیتی حب عبودی

حب عبودی، از روش های تربیتی بر مبنای محبت و قابل اجرا در خودتربیتی و دیگر تربیتی است و به جهت اینکه در این روش، متعلق محبت، وجود حقیقی و لایتناهی خداوند متعال است، در سطحی فراتر از سایر روش های تربیتی قرار می گیرد. حب عبودی که از توحید و اخلاص برای خداوند سرچشمه می گیرد، مختص قرآن کریم است و در دیگر منابع متولی امر تربیت، به آن اشاره نشده است. در این روش، مربی به جهت عبد بودن و شناختی که از توحید دارد، یاد خدا را دل حفظ می کند، جانب خدا را بر جانب خود و سایر بندگان و نیز رضای خدا را بر رضای خود و سایرین ترجیح می دهد. هدف از تربیت به روش حب عبودی این است که انسان تربیت یافته، تجلی ربوبیت الهی باشد، خداوند را مالک تمامیت خویش بداند و خدا را در همه امور عالم ببیند. در همین راستا به نظر می رسد صابران استرجاع کننده در آیه ۱۵۶ سورة بقره، نمونه ای از این انسان ها باشند.

علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه استرجاع، ضمن تبیین تربیت بر مبنای حب عبودی، بنیان آن را حب ذات اقدس الهی و توحید خالص بیان می کند. ایشان سه مرحله را برای این روش تربیتی در نظر می گیرند. نخست توکل که اعتماد به خداوند و راضی شدن به مصلحت او است؛ دوم، تفویض و سپردن امور به خداوند است؛ سومین و بالاترین مرحله، مقام تسلیم و رضاست که بنده یقین دارد خداوند با حکمت خویش، امور را به بهترین شکل هدایت می کند. به نظر ایشان، نگرش توحیدی و بازگرداندن همه امور به خداوند، مبنای تربیت اخلاقی است. در جهان بینی توحیدی ایشان، انسان موحد، خداوند متعال را رب و مالک خود و همه آفرینش می شناسد و معتقد است که خداوند همه امور عالم را به بهترین شکل تدبیر می کند. چنین انسانی در همه جهات تسلیم امر پروردگار است و حق ربوبیت او را ادا می کند. به این صورت که نه غیر خدا را اراده می کند نه از غیر خدا می هراسد و نه به غیر خدا امید می بندد (رک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱/۳۶۳-۳۵۴).

آیه استرجاع ذیل جمله «انا لله» با بیان یکی از ابعاد توحید افعالی، توحید در مالکیت و اقرار انسان به مملوک بودن خویش و تسلیم امر خداوند بودن، آخرین و بالاترین مرحله روش حب عبودی را طرح کرده است. چنان که در تفسیر «من وحی القرآن» نیز به طور ضمنی به آن اشاره شده است: «و ما باید آن را با رضایت کامل و بدون اعتراض بپذیریم و باور کنیم که او - در مقام رحمت - فقط خیری را برای ما می خواهد که ما را به مصلحت نزدیک کند و از بدی دور کند.» (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹ق: ۳/۱۲۲).



ج. ابعاد تربیتی در آیه استرجاع

خداوند انسان را با شخصیتی چندبعدی خلق کرده است؛ بنابراین تربیت درست او هم باید متوجه این ابعاد باشد و کمال و رشد متوازن همه ابعاد وجودی انسان را هدف قرار دهد نه بعد یا ابعادی محدود. بلوم تعلیم و تربیت را در سه حیطه شناختی، عاطفی - روانی - حرکتی مورد توجه قرار می‌دهد. حیطه شناختی دربرگیرنده دانش و توانایی و مهارت‌های عقلی است. حیطه عاطفی دربرگیرنده احساسات، ارزش‌ها و نگرش‌هاست. حیطه سوم شامل مهارت‌های عملی و حرکتی اعضای بدن است. فرآورده‌های آیه استرجاع در حیطه شناختی، شامل تربیت عقلانی و اعتقادی است. در حیطه عاطفی آموزه‌هایی در بعد اخلاقی، معنوی، عاطفی از آیه شریفه قابل استخراج است. در حیطه روانی - حرکتی نیز تربیت اجتماعی انسان در قالب صبر نمود پیدا می‌کند.

یک. بُعد عقلی تربیت

تفکر و اندیشه‌ورزی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روش‌های تربیت عقلی است. تفکر در رابطه انسان و خداوند و فرجام حیات انسان موضوعی است که در این آیه تبیین می‌شود و تلقینی که در این آیه صورت می‌گیرد خود بر پایه عقل و تفکر در نظام خلقت و سرانجام آفرینش انسان است. آیه استرجاع با تذکر منطق توحیدی صابران، تربیت عقلی انسان را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. صابران براساس تربیت عقل و اندیشه، با یادآوری مالکیت و منتهی بودن خداوند بر مصیبت صبر می‌کنند. چگونگی تفکر و دید جهانی و لطافت روح، آن‌ها را صابر و پایدار ساخته و تازیانه مصائب بیدارتر و هشیارتر و پایدارتر و فروغ ایمانشان را فروزان و میدان دیدشان را وسیع‌تر می‌گرداند (طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۳۶۲: ۲/۲۳).

دو. بُعد اعتقادی تربیت

در آیه استرجاع دو اصل اعتقادی و بنیادین دین اسلام آموزش داده می‌شود. در جمله «انا لله» اصل توحید و در جمله «انا الیه راجعون» اصل معاد یادآوری می‌شود. شناخت و باور به مبدأ و معاد، منطق توحیدی صابران، زمینه سرافرازی انسان در بلاها و امتحان‌ها و استواری در مسیر اعتدال است. این آیه با آموزش توحید در مالکیت که مسبوق به توحید در ذات و توحید در اصل خالقیت است، تسلیم مال مالک و حق صاحب حق، را امری رایج و بدون اندوه بیان می‌کند. به تعبیر دیگر اگر انسان به قضای حتمی الهی اعتقاد داشته باشد، توان تحمل او افزایش می‌یابد (تغابن/۱۱) و باور به این‌که همه انسان‌ها به سمت خدای سبحان در حرکت‌اند و هر حادثه‌ای، تلخ یا شیرین، آزمونی الهی است و

خداوند به شاكران و صابران پاداش مثبت می‌دهد، مجالی برای مَرَحِ باطل یا ناامیدی نمی‌ماند (رك: جوادى آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۴: ۷/ ۶۷۹-۶۷۸).

بنابراین در حیطه شناختی و در بُعد عقلی و اعتقادی انسان باایمان و باخرد در هنگام مصیبت از دین خود خارج نمی‌شود و گرفتاری، عقل و ایمان او را از بین نمی‌برد» (مغیبه، تفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ق: ۱/ ۴۴۰).

سه. بُعد اخلاقی تربیت

بُعد اخلاقی تربیت به تربیت انسان برای تخلق به اخلاق حسنه اشاره دارد. به عبارتی دیگر در تربیت اخلاقی، هدف تربیت شخصیت و راهنمایی متری در پیمودن مسیر کمال است. به نظر می‌رسد آیه ۱۵۵ و ۱۵۶ سوره بقره با بیان روش صابران و کنترل خشم توسط آنان و صبر بر مصیبت به تربیت اخلاقی انسان توجه داشته است.

چنان‌که در برخی از تفاسیر به کاربردن استرجاع، مسبب تربیت اخلاقی و از بین رفتن غرور و منیت انسان بیان شده است. صابران اگر به چیزی دچار شوند که موجب اذیت آنان شود، از انانیت خود خارج شده، تسلیم خالقشان می‌شوند (سلطان‌علی‌شاه، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۱۳۷۲: ۲/ ۳۰۷).

در آیه استرجاع مالکیت حقیقی خداوند و اعتباری بودن مالکیت‌های انسان از عوامل تقویت عزت نفس انسان و بالطبع یکی از روش‌های تربیت اخلاقی آمده است. در آیه ۱۵۷ نیز با بیان پاداش صابران، از روش تشویق برای نهادینه کردن این اخلاق حسنه در انسان استفاده کرده است. این آیه اخلاق را از راه غایات اخروی اصلاح و تهذیب می‌کند که یک‌یک آنها کمالات حقیقی قطعی هستند نه کمالات ظنی و حیاتی (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۵۳۶).

تفسیر مراغی با اشاره به عظیم بودن پاداش صلوات و رحمت الهی نتیجه می‌گیرد که صبر مورد تأیید این آیه، خلاف انجام ارادی عبادات و اعمال صالح، غرضی نفسانی و انسانی ندارد و دلالت دارد که هرچقدر در عملی منیت انسان کم‌رنگ‌تر باشد، آن عمل از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود (مراغی، تفسیر المراغی، بی‌تا: ۲/ ۲۴).

چهار. بُعد معنوی تربیت

انسان همواره در تلاش برای نیل به آرامش و آسایش است و هر عملی که وی را این به کمال، نزدیک سازد، دریغ نمی‌کند. ذکر، دعا و استمداد از خداوند به‌خودی‌خود موجب پرورش روحیه امید



در انسان می‌شود. زمانی که انسان با خداوند به راز و نیاز می‌پردازد و می‌داند همه چیز در دست اوست، به آرامش روانی می‌رسد. سر تسلیم بودن رجوع به خداوند حکیم عادل این است که اگر رخداد ناگوار مطابق عدل بود انسان صابر جزای خود را خواهد یافت و اگر ظلم بود خدای سبحان انتقام آن را خواهد گرفت (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۴: ۷/ ۶۹۷).

آیه استرجاع، ذکری است که انسان در هنگام مصیبت با خود تکرار می‌کند تا با یادآوری مبدا و معاد حیات خویش و حرکت همگانی به سوی خداوند و بازگشتن همه امور به خداوند یکتا به آرامش برسد. توجه به واقعیت بازگشت به سوی خداوند در تربیت معنوی نقش انکارناپذیری دارد. بلا و مصیبت در باورمندان به حقیقت جمله استرجاع سبب ثبات و ثبوتشان می‌شود و از رستگاران خواهند بود (رشیدرضا، تفسیر المنار، ۱۹۹۰م: ۴۱/۲).

حرکت در مسیر صعود و کمال الی الله یادآور می‌شود جز ذات اقدس الهی، هیچ چیز جاویدان نیست. زوال نعمت‌ها و یا کثرت و وفور آن، همه گذراست، و شادی و غم نسبت به آن‌ها خطاست و این امر سبب ایجاد و تقویت روحیه صبر و استقامت در انسان دارد. تأثیر تربیتی و روانی آیه استرجاع این است که اگر انسان خردمند اقرار دارد که مالک حقیقی خداست و آنچه در اختیار بشر قرار دارد، عاریه‌ای بیش نیست و بازگرداندن عاریه اندوهی ندارد، حتماً از جزع می‌پرهیزد و بردبار می‌شود (رک: جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۴: ۷/ ۶۹۰).

پنج. بُعد عاطفی تربیت

هنگام وقوع مصیبت ممکن است عواطف ناپسند انسانی نظیر خشم و عصبانیت نیز بر انسان غلبه کند و در این صورت رفتار و گفتار فرد از آن متأثر شود. آیه استرجاع با تذکر به مالکیت و مرجعیت خداوند، انسان را به صبر و کنترل خشم و عصبانیت دعوت می‌کند. صبر از عواملی است که مانع بروز بسیاری از رذایل اخلاقی می‌گردد و بسیاری از فضائل اخلاقی ریشه در رفتار صبر دارند (نراقی، معراج السعادة، ۱۳۸۵: ۶۱۴).

طبق آیه استرجاع فرد مؤمن با اعلام «ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم» اظهار رضایت می‌کند و بر یقین و توجه خویش می‌افزاید. روشن است اگر انسان چیزی را از دست بدهد، ناراحت می‌شود؛ ولی اگر به او مرده دهند که به جای آنچه از دست داده، چیز بهتری به دست خواهد آورد، خوشحال می‌شود و جمله استرجاع چنین کاری را می‌کند (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۴: ۷/ ۶۹۱). به تعبیری دیگر با توجه به مفهوم جمله استرجاع، قدرت و توان انسان در مقابل مصیبت افزایش می‌یابد. این آیه آموزش می‌دهد که یکی از راه‌های تحمل مصیبت، باور به مقدر بودن حوادث از سوی خداست.

آیه استرجاع تذکر می‌دهد کسی که می‌داند همه نعمت‌ها ملک و مُلک خداست و خود را مالک نمی‌پندارد، به توجه منعم خشنود است، نه به آن نعمتی که به او داده شده است. با همین جهان‌بینی انسان موحد در برابر نعمت‌ها نیز صبر پیشه می‌کند و معتقد است که عالم به میل انسان اداره نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد آیه استرجاع در حیطه عاطفی، رجوع به خداوند حکیم و عادل را تسلیت و تسکین و آرام‌بخش عواطف انسان و مصداق والای «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» برشمرده است.

شش. بُعد اجتماعی تربیت

انسان ناگزیر به زندگی اجتماعی است و همین امر ضرورت نیاز به تبیین روابط صحیح فرد در اجتماع و به عبارت دیگر تربیت اجتماعی انسان‌ها را روشن می‌سازد. آیه استرجاع با تذکر دادن به توحید و معاد در هنگام مصیبت نشان می‌دهد که تربیت اجتماعی امری درونی و متناسب با عقاید انسانی است.

جمله اول آیه استرجاع با اشاره به توحید در مالکیت از آن جهت که خداوند رب انسان و مالک او هرگونه تصرفی که بخواهد در او می‌کند و خود او هیچ‌گونه اختیار و مالکیتی ندارد و به هیچ‌وجه مستقل از مالک خود نیست و خداوند مالک حقیقی وجودش و قوایش و افعالش است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۵۳۲). به تعبیری دیگر مصیبت‌هایی که از طرف اوست، تصرف مالک حقیقی و خداوند در مملوک خود است (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۴۰)، دارای آثار تربیتی متعددی در بعد اجتماعی است؛ چراکه «غالب طغیان‌ها، غرورها، سرکشی‌ها و بخل‌ها و حسادت‌ها از این سرچشمه می‌گیرد که انسان خود را مالک حقیقی اموالی را می‌پندارد که در اختیار دارد؛ اما هنگامی که با عینک توحید به این جهان نگاه کند و خود را ملک مطلق خداوند ببیند؛ خود را امانت دار الهی می‌شمرد (رک: مکارم‌شیرازی، پیام قرآن، ۱۳۸۶: ۳/ ۳۵۵)، و بازگرداندن امانت امری معقول و ضروری است.

جمله دوم آیه شریفه، اقرار به معاد و حاضر شدن در محضر عدل الهی، یک نیروی محرکه قدرت‌مند برای انجام عمل صالح، جهت‌دهی به رفتارها و عاملی بازدارنده در دوری از گناهان است. انفاق و کمک به هم‌نوعان، ایثار و شهادت‌طلبی، از بین رفتن روحیه غرور و سرکشی انسان، ادای امانت، فروتنی و خشوع در خالق و مخلوق و... نیز از دیگر آثار ایمان به توحید مالکیت است. ایمان به مبدأ و معاد به انسان، شهامت و شجاعت می‌بخشد؛ بدین ترتیب که براساس آن، اوج افتخار در زندگی این جهان، «شهادت» در راه یک هدف مقدس الهی است که محبوب‌ترین اشیا برای فرد با ایمان و است (رک: همو، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۰۸).



وانگهی در این آیه، به صبر هنگام مصیبت دعوت شده است که صبر و بردباری در زندگی اجتماعی انسان‌ها آثار فراوانی از جمله: تقویت ایمان، بهبود سلامت روان، ایجاد فضای سالم و با نشاط در محیط خانواده، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه و... به همراه دارد.

د. اهداف تربیتی آیه استرجاع

جمله «انا لله» در آیه استرجاع رابطه انسان با خدا را تبیین می‌کند. جمله «انا الیه راجعون» با تذکر دادن به معاد، علاوه بر رابطه انسان و خدا، رابطه درستکارانه انسان با خلق را نیز هدف قرار می‌دهد؛ بنابراین اهداف تربیتی آیه به شرح ذیل خواهد بود:

یک. تبیین رابطه انسان و خداوند

در این آیه شریفه، انسان به مالکیت حقیقی خداوند اقرار می‌کند. هدف تربیتی از بیان مملوک بودن انسان، این است که انسان به شناختی برسد که همه داشته‌ها را امانتی الهی بداند که باید روزی به مالک اصلی، خداوند متعال، بازگرداند و به همین سبب بر آنچه از دست می‌دهد بی‌تابی نکند. در قرآن کریم مکرر آمده که ملک عالم، ملک آسمان‌ها و زمین و آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست؛ بنابراین با وجود این که ملکیت مطلق همه جهان و هر چه در آن قرار دارد، از آن خدا است؛ دیگر هیچ موجودی از خود استقلال نخواهد داشت و هیچ انسانی و به‌هیچ وجهی از خدا بی‌نیاز نمی‌تواند باشد.

تفسیر مراغی با تأکید بر اینکه همه انتساب‌ها و مالکیت‌های این جهان عاریه‌ای و مجازی است و مالک حقیقی تنها خداوند است؛ بیان این آیه در زمان مصیبت را اقرار به عبودیت و تحت اراده و مشیت و حکمت خداوند بودن دانسته است. به نظر ایشان تقدیر «انا لله» تسلیم امر خدا بودن و به مفهوم رضایت به قضا و قدر الهی و و عدم جزع و فزع است (رک: مراغی، تفسیر المراغی، بی‌تا: ۲/۲۴).

دو. تبیین رابطه انسان در اجتماع

در آیه ۱۵۶ سخن از بلا و مصیبت جمعی و اجتماعی است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱/۵۱۳؛ سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۲۵ق: ۱/۱۴۵). تفسیر عاملی مقاومت و صبر در گرفتاری‌های جمعی مدنظر آیه را مولود استرجاع و مایه رغبت غیرمسلمانان به دین اسلام و همکاری با مسلمانان دانسته است (رک: عاملی، تفسیر عاملی، ۱۳۶۰: ۱/۲۲۶-۲۲۵).

به نظر می‌رسد هدف آیه آن است که مخاطبان آن در مصیبت‌های اجتماعی با الگوگرفتن از صابران، از جزع و فزع پرهیز کنند و با به یاد داشتن مالکیت و قهاریت خداوند و باور داشتن به معاد و حسابرسی آخرت، در روابط اجتماعی خویش، رضایت الهی را بر همه امور مقدم بدارد و در صورت لزوم در ناملایمات اجتماعی، رفتار صبر، مقاومت، از خودگذشتگی و... را بروز دهد.

هـ. اصول تربیت در آیه

در وادی تربیت، اصل بر رشد و تعالی انسان و اساس تربیت قرآنی بر مدار توحید استوار است. آیه استرجاع بیان‌گر بنیادی‌ترین اصول تربیتی، یعنی توجه به خداوند و موهبت عقل است.

یک. خدامحوری

خدامحوری در تربیت، به مفهوم انجام اعمال و رفتار از سوی انسان بر معیار رضایت الهی است. در آیه استرجاع انسان با اقرار به توحید و معاد و تلقین آن به نفس و در نتیجه صبر و خویش‌داری به دنبال کسب رضایت الهی است. اگر زندگی با تمام مصائبش به خدا ختم شود تا انسان با خشنودی و ثواب او مواجه شود، پس ناامیدی و بی‌تابی جایگاهی ندارد (فضل‌الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹ق: ۳/۱۲۲).

مفاد تربیتی استرجاع این است که مربی باید یاد خدا را در دل خویش زنده نگه دارد تا هم آرامش روحی وی تأمین شود و هم از آن، مانند قطب‌نمایی برای تشخیص و تصحیح مسیر، استفاده کند. انسان تربیت‌شده بر مدار خدامحوری، در تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی، خواست خداوند را بر خواست خویش ترجیح می‌دهد. اصل خدامحوری از این سخن تفسیر تسنیم نیز استنباط می‌شود: «قول صابران به معنای عقیده و مرام آنان است؛ بدین معنا که مقال و عقیده و خلق آنان در حوادث گوناگون و در همه شئون زندگی اجتماعی و فردی طبق ایمان به مبدا و معاد بودن خداست.» (جواد آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۴: ۷/۶۷۷).

شایان ذکر است رعایت اصل خدامحوری تنها جنبه فردی ندارد؛ بلکه اثرات اجتماعی خدامحوری هم در کسب‌وکار افراد جامعه و هم در تعاملات اجتماعی انسان‌ها نمود می‌یابد. آیه استرجاع با اشاره به بروز رفتار صبر بر مصیبت در نتیجه تلقین استرجاع، این سخن را تأیید می‌کند. به این جهت که مصیبت ممکن است در اثر ارتباطات اجتناب‌ناپذیر میان انسان به وجود آید.



دو. عقل‌مداری

نیروی عقل مهم‌ترین نقطه تمایز انسان با سایر مخلوقات است. خردورزی و عقل‌مداری از ارزش‌های بنیادین و اصول تربیت اسلامی است. وجود شاخصه عقل و تفکر در نهاد انسان، مایه هدایت وی به معارف الهی و مبادرت به انجام اعمال صالح است. با توجه به این حقیقت که انسان در سایه رشد و تربیت عقلی به مرحله اقرار و اعتراف به توحید و معاد می‌رسد و رفتار صبر را بروز می‌دهد، عقل‌مداری و تفکر اصل تربیتی است که آیه استرجاع به‌طور ضمنی به آن اهتمام دارد. مواجهه با مصیبت و صبر بر آن، نشانه معرفت و شناخت نسبت به فلسفه مصایب و سختی‌هاست (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۱/۲۴۱).

حقیقت این است که حیات انسان در این دنیا متناهی و فناپذیر است و زندگی اخروی وی و بهره‌های آن نامتناهی و جاودانه است. آیات ۱۵۳ الی ۱۵۷ سوره بقره بینش صحیح و نحوه عملکرد درست نسبت به سرای ناپایدار دنیا و سرای پایدار آخرت را به انسان عرضه می‌دارد تا با تربیت و پرورش نیروی عقل، جهت‌یابی میل فطری به جاودانگی در انسان به‌درستی شکل گیرد. به همین جهت معاوضه متناهی با نامتناهی از اصول تربیتی زیرمجموعه عقل‌مداری است که این آیه به آن اشاره دارد. انسان صابر، تحمل و عدم بی‌تابی بر رنج‌های گذرای این جهان را با پاداش پایدار و صلوات و رحمت نامتناهی خداوند، معاوضه می‌کند. نگیزه رفتار صبر و تسلیم و رضا در هنگام وقوع مصیبت، امید به پاداش و آنچه نزد خداست می‌باشد (رک: خطیب، تفسیر القرآنی للقرآن، بی‌تا: ۱/۱۷۶).

و. عوامل تربیت

عوامل تربیتی در دو حیطه عوامل زمینه‌ای (خداوند، وراثت، عقل، اراده، امتحان، عبادت و...) و عوامل محیطی (خانواده، مدرسه، دوستان، اجتماع، الگوها، رسانه‌ها و...) دسته‌بندی می‌شوند. در آیه ۱۵۶ به چند مورد از عوامل تربیت اشاره شده است.

یک. خداوند

در این آیه «خداوند جملات استرجاع به‌طور غیرمستقیم با هدف تربیت انسان‌ها آموزش می‌دهد تا شعار مسلمانان در هنگام مصیبت باشد» (ابن عاشور، التحرير و التنویر، ۱۴۲۰ق: ۲/۵۷) از آن جهت که کلیت و سیاق آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷ و بیان پاداش صابران از سوی خداوند است و با توجه به آنکه هدف از نزول قرآن کریم، هدایت بشر است، به مربی بودن خداوند اشاره شده است.

دو. امتحان

بلا و امتحان در قرآن کریم، متفاوت از عذاب و کیفر و نشانه‌ای از مهر خداوند، عاملی برای تذکر و غفلت‌زدایی انسان است. افزون بر این، بلا اجتناب‌ناپذیر است. در آیه ۱۵۵، عوامل آزمایش الهی ترس و گرسنگی، زیان مالی و جانی بیان شده است. ابتلا و امتحان مطرح شده در آیه عامل تربیت و پرورش استعداد های انسان (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۲۵ق: ۱/۱۴۵؛ قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۱/۲۳۹)؛ و از وجوه رحمت خداوند و در راستای تعالی انسان جهت تقرب به مالک هستی بخش است (فضل‌الله، من وحی القرآن، ۱۲۰/۳).

سه. اراده

انسان به‌طور آگاهانه و ارادی در هنگام وقوع مصیبت، آموزه استرجاع یا همان شعار صابران را به نفس خویش، تلقین می‌کند. بنابراین در این وهله، خود انسان عامل تربیت است.

چهار. الگوها

آیه «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا هَذَا الَّذِي كُنَّا نَعْتَدُ» تفسیر کلمه الصَّابِرین و مبتنی بر مدح و سپاس از افراد جامعه اسلامی است که در برابر ناگواری‌ها و ناکامی‌ها بردبار بوده و صبر را پیشه می‌نمایند (حسینی‌همدانی، انوار درخشان، ۱۴۰۴ق: ۲/۴۴). انسان با مشاهده و درک رفتار صابران در هنگام مصیبت، از آن‌ها الگو برداری می‌کند و بدین ترتیب صابران عامل تربیت انسان قرار می‌گیرند.

نتیجه

۱. هرچند تفسیر تربیتی، گرایشی نوظهور در حوزه دانش تفسیر است؛ اما در عین حال اعتبار و اصالت آن قابل‌خنده نیست؛ زیرا قواعد مورد استفاده در آن همان قواعد معتبر تفسیری مانند ظهور آیات، سیاق آیات، دلالت‌های معتبر (تطابقی، تضمنی و التزامی) است و هدف آن نیز کشف رونمایی از هدف اصلی نزول قرآن یعنی هدایت و تربیت است.
۲. به استناد یافته‌های جدید تربیتی از آیه استرجاع، به‌عنوان یک نمونه و مشت از خروار، می‌توان گفت: تفسیر تربیتی از توانایی لازم برای استخراج آموزه‌های تربیتی جدید و تازه از آیات قرآن که در تفاسیر دیگر مغفول مانده برخوردار است. و جلوه‌های متنوع و نوینی از آموزه‌های تربیتی قرآن را نمایان می‌کند؛ بنابراین نباید در ضرورت تفسیر تربیتی و نیز کارآمدی آن تردید نمود.
۳. بُعد تربیتی و هدایتی در قرآن محور تعالیم آن است، به‌گونه‌ای که در تمام آیات به‌صورت آشکار، پنهان، ضمنی و... مطمح نظر است.
۴. رهاورد تفسیر تربیتی، افق‌های جدید در عرصه مطالعات تربیت اسلامی را در برابر محققان می‌گشاید و نیز سبب غنا و تعالی علوم تربیتی می‌گردد.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، قم: المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن شعبه حرّانی، علی بن حسین، تحف العقول، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۰.
۳. ابوحنیفان، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۴. اسعدی، علی، تفسیر تربیتی قرآن چپستی و مولفه‌های آن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۹.
۵. اعرافی، علیرضا، درآمدی بر تفسیر تربیتی؛ قم: موسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳.
۶. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه، ۱۳۸۳.
۷. بناری، علی‌همت؛ احمدلو، مسلم، مؤلفه‌های فرایند ایجاد انگیزش در تربیت اخلاقی از منظر قرآن کریم، قرآن و علم، ۱۶ (۳۱)، ۱۴۰۱.
۸. جاهد، حسینعلی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: جهش، ۱۳۸۷.
۹. جوادی‌آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۴.
۱۰. حاجی‌ده‌آبادی، محمد علی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، بی‌جا: دفتر تحقیقات و تدوین کتب‌درسی، بی‌تا.
۱۱. حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، ولایت فقیه در حکومت اسلام، بی‌جا: ناشر: موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی مشهد مقدس ۱۳۹۰.
۱۲. حسینی‌همدانی، محمد، انوار درخشان، تهران: بی‌نا، ۱۳۹۸ق.
۱۳. خطیب، عبد‌الکریم یونس الخطیب، تفسیر القرآنی للقرآن، قاهره: دار الفکر العربی، بی‌تا.
۱۴. خوانین‌زاده، محمدحسین؛ انصاری‌راد، محمد، مبانی تفسیر تربیتی قرآن، فصلنامه تربیتی، سال سیزدهم، شماره چهل‌وهفتم، ۱۳۹۷.
۱۵. رشیدرضا، تفسیر المنار، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰ق.
۱۶. سلطان‌علی‌شاه، سلطان محمدبن‌حیدر، بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۷۲.
۱۷. سیوطی، عبدالرحمن بن‌أبی‌بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
۱۸. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۲۱ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

۲۰. فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
۲۱. قائمی مقدم، محمدرضا، روش تربیتی تذکر در قرآن کریم، دوفصلنامه تربیت اسلامی، سال سوم، شماره ششم، ۱۳۸۷.
۲۲. قرائتی محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۲۳. مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، تهران: دار محبی الحسین (علیه السلام)، ۱۳۷۷.
۲۴. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۲۵. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ پنجاه و چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۲۸. مهدی‌زاده، حمید؛ عمادی، عبدالله، اعجاز تربیتی در آیه رضاع از دیدگاه مصطفی رجب و نقد آن، قرآن و علم، ۱۶ (۳۰)، ۱۴۰۱.
۲۹. نراقی، ملااحمد، معراج السعادة، تهران: جاویدان، ۱۳۸۵.



References

1. *Quran Karim (The Noble Quran)*, Tarjome: Mohammad Ali Rezaei Esfahani va Jami'i az Asatid Jami'at al-Mustafa (Translation: Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors from Al-Mustafa Univeristy), Qom: al-Mustafa, 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. A'arafi, Alireza, *Dar Amadi Bar Tafsir Tarbiyati (An Introduction to Educational Exegesis)*, Qom: Ishraq and Irfan Foundation, 1393 SH (2014 CE).
3. Abu Hayyan, Mohammad bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir (The Encircling Sea in Exegesis)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
4. As'adi, Ali, *Tafsir Tarbiyati Quran: Chishti va Mowallife-ha-ye An (Educational Exegesis of the Quran: Its Essence and Components)*, Qom: Islamic Propagation Office, 1399 SH (2020 CE).
5. Banari, Ali Hemmat; Ahmadlu, Muslim, *Mowaffiqe-ha-ye Farayand Ijad Angizesh dar Tarbiyat Akhlaqi az Manzar Quran Karim (Components of the Motivation Process in Moral Education from the Quranic Perspective)*, Quran and Science, 16 (31), 1401 SH (2022 CE).
6. Baqeri, Khosrow, *Negahi Doobareh be Tarbiyat Islami (A New Look at Islamic Education)*, Tehran: Madreseh, 1383 SH (2004 CE).
7. Fazlullah, Mohammad Hossein, *Min Wahy al-Quran (From the Revelation of the Quran)*, Beirut: Dar al-Malak, 1419 AH (1998 CE).
8. Haji-Daebadi, Mohammad Ali, *Dar Amadi Bar Nazm Tarbiyati Islam (An Introduction to the Islamic Educational System)*, Research and Textbook Preparation Office, undated.
9. Hossein-Hamdamani, Mohammad, *Anwar-e Derakhshan (The Illuminating Stars)*, Volume 1, Tehran: undated, 1398 SH (2019 CE).
10. Hossein-Tahrani, Seyyed Mohammad Hossein, *Wilayat-e Faqih dar Hokoomat-e Islam*, Volume 3, undated, 1390 SH (2011 CE).
11. Ibn Sho'bah Harrani, Ali bin Hossein, *Tuhaf al-Uqul (Gifts of the Intellect)*, Tehran: Islamic Bookstore, 1360 SH (1981 CE).
12. Jihad, Hossein Ali, *Osul va Falsafeh Taalim va Tarbiyat va Taalim va Tarbiyat Islami (Principles and Philosophy of Education and Islamic Education)*, Tehran: Jahesh, 1387 SH (2008 CE).
13. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (The Tasnim Commentary)*, Qom: Esra, 1384 SH (2005 CE).
14. Khanin-Zadeh, Mohammad Hossein; Ansari-Rad, Mohammad, *Mabani Tafsir Tarbiyati Quran (Foundations of Educational Exegesis of the Quran)*, Educational Quarterly, Volume 13, Issue 47, 1397 SH (2018 CE).
15. Khatib, Abdul Karim Younis al-Khatib, *Tafsir al-Qurani lil-Quran (Quranic Commentary for the Quran)*, Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi, undated.

16. Mahdizadeh, Hamid; Emadi, Abdullah, *I'jaz Tarbiyati dar Ayah-e Radha' az Didgah Mustafa Rajab va Naqd An (Educational Miracle in the Verse of Suckling from the Viewpoint of Mustafa Rajab and Its Critique)*, Quran and Science, 16 (30), 1401 SH (2022 CE).
17. Makarem Shirazi, Naser, *Payam-e Quran (The Message of the Quran)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1386 SH (2007 CE).
18. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir Nemouneh (The Exemplar Exegesis)*, 54th Edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1374 SH (1995 CE).
19. Maraghi, Ahmad Mustafa, *Tafsir al-Maraghi (The Maraghi Commentary)*, Beirut: Dar al-Fikr, undated.
20. Modarresi, Mohammad Taqi, *Tafsir Hedayat (The Guidance Commentary)*, Tehran: Dar Mohib al-Hossein (AS), 1377 SH (1998 CE).
21. Moghniyeh, Mohammad Jawad, *Tafsir al-Kashif (The Revealer's Commentary)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1424 AH (2003 CE).
22. Naraqi, Mulla Ahmad, *Mi'raj al-Sa'adah (The Ascent to Happiness)*, Tehran: Javidan, 1385 SH (2006 CE).
23. Qaimi-Moqaddam, Mohammad Reza, *Ravesh Tarbiyati Tazakkor dar Quran Karim (The Educational Method of Remembrance in the Quran)*, Two-Quarterly Journal of Islamic Education, Volume 3, Issue 6, 1387 SH (2008 CE).
24. Qara'ati, Mohsen, *Tafsir Noor (The Light Commentary)*, Eleventh Edition, Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran, 1383 SH (2004 CE).
25. Rashid Rida, *Tafsir al-Manar (The Beacon Commentary)*, Egypt: Egyptian General Authority for Books, 1990 CE.
26. Sultan-Ali-Shah, Sultan Mohammad bin Haidar, *Bayyan al-Sa'adah fi Maqam al-Ibadah (The Statement of Happiness in the Stations of Worship)*, Beirut: Al-'Ilmiyyah Publications, 1372 SH (1993 CE).
27. Suyuti, Abdul Rahman bin Abu Bakr, *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi al-Ma'thur (The Scattered Pearls in the Commentary of Reported Narrations)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1421 AH (2000 CE).
28. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Exegesis)*, 5th Edition, Qom: Islamic Publications Office, Society of Seminary Teachers, 1417 AH (1996 CE).
29. Taleqani, Mahmoud, *Portewei az Quran (A Glimpse of the Quran)*, Tehran: Islamic Publishing Company, 1421 AH (2000 CE).